

به دار آویخته شده اند. هیچ نمی دانیم گناهشان چه بوده و در کدام دادگاه محکوم شده اند و این در حالی است که برق نداریم (به اندازه کافی) و رودها و چشمه ها و تالاب ها پشت سر هم خشک می شوند. باقی بماند تا بعد. غزل به کدام گناه را در این هفته می خوانید:



### به کدام گناه...؟

زیر قدم های خشک تان  
دریا نمک زار می شود  
هر یاس، دندان دیو و درد  
هر یاسمن خار می شود  
در خانه روشن از امید  
بام و در و روزنش سپید  
روشن به تارک می رسد  
روزن چو دیوار می شود  
هر جا سپیدار سبز بود  
شد زرد و پژمردگی فزود  
زین غم که روزی به هر گذر  
بریا ازو دار می شود  
دیدگی که امواج زنده رود  
آورد سر بر زمین فرود  
جویای آتش اگر شوی  
خاکش پدیدار می شود  
ای صبح! یک دم نفس بکش  
ای تیره شب! پای پس بکش  
ای مرغ افسرده! این قفس  
فردا چمن زار می شود

\*\*\*

ای پاسداران محکمتا!  
عقلم درین کار مانده مات  
چون شد که پاسخ به «ای ذنب...»  
ایجاب کشتار می شود  
کاخ ستم استوار نیست  
دور شما پایدار نیست  
این کار پیرار و پار نیست  
تاریخ تکرار می شود...

### بعد عنوان

پس از خواندن این مقاله و یادداشت بنده، بد نیست به دو مقاله که پس از خرداد ۷۶ نوشته شده نگاه کنید. مقاله اول که در گرما گرم حمایت همه خلق خدا به ویژه مفسران محترم خارج از کشور از آقای خاتمی نوشته شد، مقاله ای بود به قلم این بنده در مجله «روزگار نو» چاپ پاریس با عنوان «میان بد و بدتر» که این دو بیت هادی خرسندی را پیشانی نبشت آن کرده بودم:

عرصه را باخت ناطق نوری

خاتمی شد رئیس جمهوری

لیک در سایه فقیه ولی

چه علی خواجه و چه خواجه علی

همسفران جوان و عزیز من در تهران گفتند که وقتی مقاله را به آقای خاتمی نشان داده بودند ایشان لبخند معروفسان را حواله نویسنده دادند. مقاله دوم که یکی از کارهای درخشان احمد احرار بود، مقاله ای بود با عنوان «پشیز». بعد از آن که دست دولت خاتمی رو شد، احرار این واژه پر بار فارسی را برای رئیس جمهور محترم با شأن نزول آن بکار برد. قابلیت های آقای خاتمی در حدی بود که معاونش را گرفتند و به زندان انداختند و او زمزمه کرد:

«غیر تسلیم و رضا کو چاره ای»

تئورسین زبان آورش را با گلوله، فلج کردند و او باز گفت:

«غیر تسلیم و رضا کو چاره ای»

هی روزنامه باز شد، هی روزنامه بستند، هی روزنامه نویسان را به بند و زنجیر کشیدند و حضرتش فرمود:

«غیر تسلیم و رضا کو چاره ای»

و این همه در حالی بود که اصلاً شیر نر خونخواه ای در کار نبود فقط «نظام» بود و «مصلحت نظام» و دموکراسی ارتجاعی.

حرف آخر در این بعدالعنوان این است که کاش کتاب «چگونه فریب خوردم» کورس بابایی را در مورد آن دختر که هر شب دلش می خواست فریب بخورد، در تیراژ وسیع چاپ کنند و به هواداران شرکت مجدد آقای خاتمی بدهند و یا بر یک پارچه درشت سراسری به وسعت تمام طول و عرض ایران بنویسند:

مزاج دهر تبه شد در این بلاحافظ

کجاست فکر حکیمی و رأی برهمنی

به کدام گناه؟

شعر تازه ای از: سیمین بهبهانی  
سیمین خانم بهبهانی دو غزل تازه اش را در ایام الممیک برآیم فرستاد با یادداشت کوتاهی که در زیر می خوانید و در حقیقت شأن نزول غزلهاست. شاعر همیشه مهربان بعد از سلام و تعارفات، به این بنده می نویسد:

«دو غزل تازه تقدیم داشتم. باز هم مثل همه کارهای اخیرم شرح گرفتاری هاست که از همه مهمتر به دار کشیدن خلق الله بود. شوخی نیست که امسال نزدیک به چهل و چند نفر

## ادامه مطلب یادداشتهای بی تاریخ... از صفحه ۲۲

آقای خاتمی این است که وارد این میدان نشوند؛ بخصوص آنکه امروز - به گفته خودشان - فروع جای اصول را گرفته و سلیقه ها عین حقیقت و اصل به حساب می آید و «چه بسا، اصول و ارزشها که در پای سلیقه ها و کج تایی ها قربانی» می شود. در چنین شرایطی اتفاقاً رهبران اصلاحگر و روشن بین و راستین کسانی هستند که با درک شرایط زمان و مکان و نیازهای مبرم و خواست و مصلحت جامعه، مطلبی را بیان و تبیین می کنند و جامعه به آن می گراید یا احساس می کند که حرف دل او زده می شود.»

و من می افزایم: این رهبران روشن بین، کاری را که می توانند در عرصه روشنگری در کناره ساحل آلوده سیاست امروز جمهوری اسلامی انجام دهند، با کارهایی که نمی توانند - تأکید می کنم - نمی توانند در جایگاه «تدارکاتچی» و گوش به فرمان رهبر انجام دهند، تاخت نزنند. آقای خاتمی که امروز می توانند به فصاحت تمام، دردهای ملتی رنجیده را بازگو کنند، فردا در جایگاه رئیس جمهور چه خواهند کرد اگر همچنان درهای دولت شان بر این پاشنه بچرخد که تعهد ایشان به رهبر، بیشتر از تعهد ایشان نسبت به قانون و رأی مردمان باشد؟ چه خواهد شد اگر باز قصه همان باشد که بود: «یا تفاهم حاصل بود یا اگر اختلاف نظری باقی می ماند، بر اساس تعهدی که وجود داشت، ملاک عمل نظر رهبری بود.»

مگر نه این که از دید ایشان «رهبری نسبت به خیلی مسائل نقد و نظر داشته اند؛ حق ایشان هم هست و در نظام جمهوری اسلامی رهبری جایگاه والا دارد و انتظام امور بستگی به رعایت این جایگاه دارد؟ آیا آن «بدفهمی یا کج رفتاری» که «آینده جامعه و نظام ما را تهدید می کند» تغییر کرده است؟ اگر کرده است باید بگویید تا تردیدها رفع شود؛ اگر هم آتش همان آتش است و کاسه همان کاسه، آن وقت «آیا در اینجا لوازم حق حاکمیت مردم بر سرنوشت که آزادی به معنی درست کلمه از مهمترین آنهاست، تأمین می شود؟» آیا «جامعه بناس با شعار اداره شود یا واقعاً راهکارهای عینی و علمی برای پیشرفت و توسعه، اعتلای جایگاه ایران و بالا بردن موقعیت ملت در داخل و خارج و افزودن حرمت آنان در عرصه جهانی و افزایش ضریب امنیت ملی و تأمین آینده مردم وجود دارد؟» آقای خاتمی! شما در اینجا نیز باز بهترین نتیجه گیریها را کرده اید: «طبیعی است که اعتقاد یا عدم اعتقاد به این امر، هر کدام موجب ساختارهای متناسب با آن و نیز رفتارهای مناسب با آن خواهد شد.» و درست بر همین اساس است که من شهروند به شما و همه آنان که باز می خواهند «تنور انتخابات را گرم نکنند» الا در روز نهایی، می گویم: تا تردیدهای ما باقی است، تا شما پاسخ عینی و علمی برای تردید ما پیش رو ننهاده اید، حق نیز همین است که نگران «عدم همراهی مردم» با خود باشید. اندوهناک است، اما حقیقت تلخ چنین است.

اما بار سوم، بار دیگر نیست؛ چرا؟ روزگاری یکی از نزدیکان آقای خاتمی، ضمن مصاحبه ای از من خواست دکمه توقف ضبط را بزنم تا جواب سؤال مکرری در مورد علت برخورد های آقای خاتمی را بدهد. ضبط صوت را خاموش کردم. وی به صراحت گفت: محمد خاتمی، یک دست در دست نظام و یک دست در دست مردمان دارد. او را از دو سو می کشند. عاقبت در نقطه حساسی، او دستش را از یکی از این دو دست بیرون خواهد کشید. از او پرسیدم: با شناختی که از وی دارید، فکر می کنید با کدام دست خواهد رفت؟ اندوهی در چشمانش پدیدار شد و آهسته گفت: دست نظام. او راست می گفت: محمد خاتمی همان گونه که بعدها خود به صراحت گفت نظام را انتخاب کرد و بدون قید و شرط. حال درست به همین دلیل است که امروز هم که کسانی می خواهند به اصرار، «سیدخندان مظلوم» را که اهل فرهنگ و کلام است و صد البته سخت باورمند آن، به ورود به عرصه انتخابات تشویق کنند، پیش از هر چیز باید جواب این سؤال را بدهند که معادله دو دست خاتمی، به نفع کدام دست حل شده است؛ ملت یا نظام؟

آیا آقای خاتمی این بار آمادگی رودرویی قانونی با حزب امنیت - نظامی حاکم بر کشور را که از حمایت کامل رهبر جمهوری اسلامی نیز برخوردار است دارد یا نه؟ - سخنان آقای خامنه ای در حمایت از احمدی نژاد را بخوانید - آیا در فرهنگ لغت وی کلمه «تقلب» جای «بداخلاقی انتخاباتی» را گرفته است یا خیر؟ آیا به عنوان رئیس جمهور، توان ایستادگی قانونی در برابر نیروهای موازی اطلاعاتی - امنیتی را دارد؟ اگر فردا، حکم حکومتی آمد که فلان روزنامه را ببندید و بهمان کس را به کابینه راه دهید، پاسخ همان خواهد بود که پیش از این، یا اتفاق دیگری قرار است روی دهد؟ اگر نیت بر آن بود که کانون مدافعان حقوق بشر همچنان مجوز نداشته باشد، کانون نویسندگان ایران، در اهستگی، بودنش را پیچیده کند، نهضت آزادی ایران، غیرقانونی بماند، سعید مرتضوی، همچنان قاضی مقبول باشد، سردار زارعی ها، از مجازات دور بمانند و مردمان، همچنان ساکنان کشتی غیر خودی... آن وقت چه؟

پاسخ به سؤالاتی از این دست - که هر شهروندی می تواند ده ها نمونه اش را ردیف کند است که می تواند گره گشای مسأله باشد و عامل رفع تردیدهایی که ملت دارند و رفع آن بر عهده کسانی است که از آمدن خاتمی می گویند. به زبان روشنتر، این مردمان نیستند که باید «تردید» های رئیس جمهور را برطرف کنند؛ این سیاستمدارانند که باید در حرف و در عمل مردم را متقاعد سازند که بار سوم، دیگر گونه خواهد بود. نه این که حتی مدافعین حضور آقای خاتمی در انتخابات نیز، سخنی در باب تحلیل شان در مورد تغییر شرایط و اینکه چرا این بار، بازی، صورتی دیگر خواهد داشت، نگویند. و تا روزی که این جوابها را بگیریم، پیشنهاد من به



علی محمدی  
President

**SFC**  
Silicon Financial Corp.  
Real Estate Loans - Refinance - Purchases

مشاوران وام و املاک

تیم مجرب، آگاه و پر تلاش

۱-۸۸۸-۹۷۸-۵۶۲۶



رزی بیگری  
Broker

برای خرید و فروش زمین، ساختمان مسکونی و تجاری و همچنین برای دریافت وام با مشاوران با تجربه و آگاه تماس حاصل فرمایید.

انواع وام های بدون دستمزد و بدون خرج

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری و تهیه املاک و زمین جهت سرمایه گذاری با تخصص در اخذ وام های ساختمانی (Construction) و زمین های مسکونی و تجاری

**Give Us A Chance To Beat Any Advertised Rates!**



(408) 244-0555

922 Saratoga Ave., Suite 100, San Jose, CA 95129

